

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: گاهی یک صفت رذیله بر انسان غالب می شود و اعمالی متناسب با آن صفت رذیله از انسان سر می زند. سوال بنده این هست که از کجا بفهمیم این صفت، شاکله و ملکه وجودی ماست یا عارضی و موقتی است؟ (مثلاً به لطف الهی چند روزی یا چند هفته‌ای از گرفتاری در گناهان فاصله می گیریم ولی ناگهان وسوسه ای می آید و انسان را زمین می زند و آلوده می کند. الان این وسوسه ظهور همان شاکله و ملکه وجودی ماست یا عارضی است؟) پرسش دوم: آیا راه دیگری به غیر از «گرفتاری در گناه» و «بلا و مصیبت» برای رهایی از عجب و رسیدن به تضرع و انکسار و خضوع و خشوع وجود دارد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. به هر صورت فطرت انسان که به گفته حضرت صادق «علیه السلام» مبتنی بر توحید است شاکله‌ای است که انسان را از آلوده شدن به گناه باز می‌دارد بدین معنا که شاکله هرکس، عدم دست زدن به گناه است و به همین جهت هر اندازه از گناه فاصله بگیریم، بیشتر احساس نزدیکی به خود می‌کنیم. ۲. همین‌که متوجه باشیم در مقابل عظمت پروردگار هیچ هستیم، خود به خود هر آنچه داریم را از او می‌دانیم و این، حقیقتی است جهت آزاد شدن از عجب. آری! در جای خود آن روایت نیز قابل توجه است که بعضاً برای رهایی انسان از عجب، او را به گناهی گرفتار می‌کنند. ولی در هر حال اصل قضیه همان است که انسان متوجه فقر وجودی خود در مقابل حضرت غنی مطلق بشود. موفق باشید